

«زندگی در ارتفاعات» را چطور ساختیم؟

من فیلمبردار صدا و سیما هستم و در آن سال‌ها برای تهیه آفیش به جبهه می‌رفتم که حاصل آن سال‌ها چند فیلم و آلبوم عکس درباره دفاع مقدس است. اغلب نقش مستندسازان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به چشم نمی‌آید اما واقعیت آن است که اگر یادگاری از آن روزها باقی مانده به همت همین‌هایی است که بدون سنگر و اسلحه و دوربین به دوش تا خط اول جبهه همراه زمندگان ما پیش رفتند و هر چه گذشت را ماندگار کردند. خلاصه، زمستان سال ۶۴ بود و در منطقه گیلانغرب که قرار بود گروه ما از آنجا گزارش تهیه کند، یک متر برف روی زمین نشسته بود. قرار

■ **کاظم محمدیان**

شد برویم خط اول، یک شب خوابیدیم و فردا صبح فرمانده به گروهی اشاره کرد که: «این گروه می‌روند خط شما هم با همین‌ها بروید.» شامی خوردیم و صبح در حالی که هوای خوبی نداشتیم، با یک گروه سرباز راه افتادیم به سمت بالای کوه. رفته‌رفته هوا خراب‌تر شد و بوران و برف راه بالا را پاک کرد. با وجود اینکه سرپرست گروه تقریباً مسیر را گم کرده بود، ما همچنان می‌رفتیم و می‌رفتیم. چشم‌چشم را نمی‌دید نه راه پیش داشتیم نه راه پس. یک لحظه صدای نفیری از سمت چپ گوشمان به سمت راست رفت و خاموش شد و چند لحظه بعد نفیر دیگری از جهت عکس یعنی از چپ به راست آمد. فهمیدیم بین ایران و عراق هستیم. سریع برف را کتدیم و رفتیم داخل برف و خلاصه یک اتاق‌مانندی زیر برف برای خودمان درست کردیم. قضیه ادامه پیدا کرد و همه به این نتیجه رسیدیم که باید مدتی را در همان اتاق برفی سر کنیم.



عکس واقعی و مربوط به همان واقعه است.

خانه زیر برف را محکم‌تر کردیم و فضاهایی در آن ساختیم که حکم دستشویی و آشپزخانه را داشت. باید منتظر می‌ماندیم تا دوباره هوا خراب بشود تا بتوانیم با خطر کمتری از آن زیر در بیاییم. از جیره جنگی‌هایی که از پایین گرفته بودیم استفاده می‌کردیم و چای درست می‌کردیم و با قرص‌های الکلی که روشن می‌شدند آب را جوش می‌آوردیم. هوا بی‌نهایت سرد بود و برای اینکه از سرما یخ نزنیم، باتری دوربین را هم به دور کمرمان بسته بودیم. فیلمی از همین دوران را هنوز دارم. خلاصه ۸ روز زیر برف بودیم و زندگی می‌کردیم. سرما و گرسنگی به کنار، شیش هم زده بودیم و پوستمان چروک شده بود و خسته شده بودیم تا بالاخره دوباره هوا خراب شد و توانستیم از مخفیگاه برفی مان بیرون بیاییم و به سمت ایران برگردیم. فیلمی که همان زمان برداشتم بعد از تدوین جایزه هم گرفت: «زندگی در ارتفاعات» ■

گفت وگویی «سلامت» با **سید حسن موسوی چلک** رئیس انجمن مدد کاران اجتماعی درباره تبعات روانی - اجتماعی بحران کرونا

# کرونا؛ تایک دهه دیگر...



**متاسفانه عوارض بحران روی سلامت روان ماندگارتر و زخم آن عمیق‌تر و درد آن بیشتر از جسم است. هر چند با سازوکار فعلی هم توان پاسخگویی به مطالبات و نیازهای حوزه این حوزه ندارد. ضمناً باوری هم به وجود مشکلات در حوزه سلامت روان نیست و گوش شنوایی هم برای شنیدن دردها وجود ندارد**



■ **علی ابراهیمی**

**بحران کرونا در بیش از یک سال و نیم گذشته بخش‌های زیادی از زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده و تبعات آسیب‌های ناشی از این بحران تا سالیان سال در جامعه باقی خواهد ماند و هر چه روند این بیماری طولانی‌تر شود جبران آسیب‌ها نیازمند زمان بیشتری خواهد بود. اما متأسفانه این روزها بحران سلامت حساسیت‌ها نسبت به آسیب‌های اجتماعی در جامعه را کم‌رنگ‌تر کرده است. طبق آمارهای ارائه شده بسیاری از حوزه‌های سلامت روان و سلامت اجتماعی در جامعه تحت تأثیر تبعات بیماری کرونا قرار گرفته و با توجه به اینکه در حال حاضر تمام اقدامات روی بحث سلامت متمرکز شده‌اند سایر آسیب‌های بی‌توجهی به سلامت روان غفلت شده است.**

**به باور کارشناسان در ایام کرونا شاهد افزایش خشونت خانگی، نزاع، افسردگی، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی بودیم اما هیچ برنامه مدونی برای جلوگیری از افزایش این آسیب‌ها پیشنهاد نشده و زنگ خطر آسیب‌های اجتماعی در پساکرونا به صدا درآمده است و اگر چاره‌ای برای این موضوع اندیشیده نشود قطعا دیگر این تبعات قابل جبران نخواهد بود.**

**حال هفته نامه «سلامت» با هدف آگاهی بخشی درباره ابعاد اجتماعی و روانی این بحران به گفت‌وگو با سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نشسته تا این معضل را مورد کندوکاو بیشتر قرار دهد. در ادامه متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

**سلامت: از دیدگاه شما بحران کرونا چه تأثیری روی خانواده‌ها داشته است؟**

بحران‌ها با توجه به گستره شدت، مدت و گروه‌های در معرض خطر تأثیرات متفاوتی دارند. بحران کرونا چند ویژگی مهم داشت که شدت آن را روی گروه‌های مختلف بیشتر کرد. یکی از این ویژگی‌ها طولانی بودن این بحران است که هنوز هم ادامه دارد و چشم‌اندازی روشنی هم از پایان آن هم متصور نیست. ویژگی دیگری برای بحران تلفات بالای آن بود به گونه‌ای که در برخی بازه‌های زمانی در هر دقیقه دو نفر بر اثر این بیماری جان خود را از دست دادند. از این رویه واسطه پیام‌هایی که این اتفاقات دربر داشت تبعات منفی بسیاری را نیز به بار آورد. برای مثال گزارش شده که در ایران ۵۱ هزار کودک سرپرست خود را در این بحران از دست داده‌اند که این زنگ خطری برای بحران آینده در جامعه است. از این روی می‌توان گفت که این بحران تبعات ماندگاری روی بسیاری از خانواده‌ها داشت. ضمن اینکه در این بحران خانواده‌ها به واسطه مشکلاتی که در بحث کسب و کار آنها به وجود آمد با مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه شدند و به جرات می‌توان گفت که این بخش از بحران همچنان ادامه خواهد داشت. بنابراین برای جمع بندی کلی می‌توان گفت که به واسطه بحران کرونا برخی خانواده‌ها با مشکل اقتصادی روبه‌رو شدند و برخی افراد نیز به دلیل تعدد مشکلات عدیده به سمت بزه‌های اجتماعی همچون مصرف مواد مخدر، اقدام به خودکشی و تن‌فروشی کردند.

**سلامت: با توجه به تبعات بحران کرونا برای زندگی افراد، آیا می‌توان تقسیم‌بندی علمی در این خصوص کرد؟**

به نظر می‌رسد در این بخش چند گروه را می‌توان از یکدیگر جدا کرد؛ نخستین افرادی که در بحران عزیزان خود را از دست دادند. به اعتقاد من باید برای تمامی این افراد و خانواده‌ها یک پرونده مدیریت مودری تشکیل داد. گروه دیگر افرادی هستند که عزیزان خود را از دست ندادند اما کرونا زندگی آنها را مختل کرده است. برای مثال مشاغل مختلفی با مشکلات مالی مواجه شده و حتی در برخی موارد ورشکست هم شده‌اند. در چنین شرایطی

**سلامت: با توجه به تبعات بحران کرونا برای این خصوص کرد؟**

به نظر می‌رسد در این بخش چند گروه را می‌توان از یکدیگر جدا کرد؛ نخستین افرادی که در بحران عزیزان خود را از دست دادند. به اعتقاد من باید برای تمامی این افراد و خانواده‌ها یک پرونده مدیریت مودری تشکیل داد. گروه دیگر افرادی هستند که عزیزان خود را از دست ندادند اما کرونا زندگی آنها را مختل کرده است. برای مثال مشاغل مختلفی با مشکلات مالی مواجه شده و حتی در برخی موارد ورشکست هم شده‌اند. در چنین شرایطی

این نکته را هم باید اضافه کرد که به واسطه آشنایی زودهنگام نسل جدید با فضای مجازی و وابستگی به این فضا به دلیل استفاده از فضای مجازی برای دسترسی به آموزش، در آینده نه چندان دور با مشکلات عدیده‌ای در حوزه سلامت روانی و اجتماعی مواجه خواهیم شد و اگر تدبیری در این حوزه اندیشیده نشود شاهد چالش‌هایی با ابعاد بزرگ‌تری خواهیم بود.

**سلامت: در بحران کرونا به سلامت روان هم توجه می‌شود؟**

متأسفانه امروز آنچه در بخش سلامت کانون توجه‌ها است بعد سلامت جسمی است و سلامت روان مورد غفلت واقع شده است. البته از آنجا که اختلالات روانی در درازمدت اثر خود را می‌گذارد و سلامت جسم در کوتاه مدت اثر خود را نشان می‌دهد، سعی شده تا این بخش مدیریت شود که این نوعی بی‌توجهی است. البته منظور ما این نیست که سلامت جسم اهمیت نداشته باشد اما درخواست ما توجه هم‌زمان به همه ابعاد سلامت است بنابراین در یک جمله می‌توان گفت که در این بحران تمامی توجه‌ها به بعد سلامت جسم معطوف و سایر ابعاد سلامت به فراموشی سپرده شد.

**سلامت: دلیل شمار پر تأکید به بعد سلامت روان در بحران‌ها چیست؟**

به نظر می‌رسد که عوارض بحران روی سلامت روح و روان ماندگارتر و زخم آن عمیق‌تر و درد آن بیشتر از جسم است. ضمن اینکه جامعه با سازوکار فعلی توان پاسخگویی به مطالبات و نیازهای حوزه سلامت روان را نخواهد داشت و این کار را در آینده سخت خواهد کرد.

**سلامت: چرا با وجود مشکلات فراوان در ارائه خدمات سلامت روان در بحران کرونا، اتفاق خاصی در این بخش نیفتاده است؟**

متأسفانه مشکل این است که باوری به وجود مشکل در این حوزه وجود ندارد و ما هم چند بار این موارد را اعلام کرده ایم اما متأسفانه گوش شنوایی وجود ندارد.

**سلامت: با توجه به شرایط فعلی، در کوتاه مدت باید منتظر چه اتفاقاتی باشیم؟**

متأسفانه تبعات کرونا حداقل تا یک دهه آینده بخش‌های مختلف جامعه را درگیر خود خواهد کرد. این نکته هم باید مورد توجه قرار گیرد که در کشور ما نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی منبع توسعه قلمداد نمی‌شود حال آنکه تنها بخشی که می‌تواند کشور را از بحران‌ها نجات دهد داشتن نیروی انسانی و در کنار آن سرمایه انسانی کارآمد



**متأسفانه عوارض بحران روی سلامت روان ماندگارتر و زخم آن عمیق‌تر و درد آن بیشتر از جسم است. هر چند با سازوکار فعلی هم توان پاسخگویی به مطالبات و نیازهای حوزه این حوزه ندارد. ضمناً باوری هم به وجود مشکلات در حوزه سلامت روان نیست و گوش شنوایی هم برای شنیدن دردها وجود ندارد**

«

است اما با تأسف باید گفت که امروز این دو سرمایه در ایران دچار بحران شده‌اند و ما شاهد از بین رفتن سرمایه انسانی در نتیجه بحران کرونا، مشکلات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی هستیم و در سوی دیگر سرمایه اجتماعی هم به مرور در حال تحلیل است و به قول معروف هر سال دریغ از پارسال زیرا می‌بینیم که دولت‌ها نه تنها در بحران حمایتی از مردم نمی‌کنند بلکه هیچ برنامه‌ای هم برای این شرایط ندارند و طبیعی است که در نتیجه این شرایط اعتماد عمومی کمتر و کمتر شود و جامعه به سمت کاهش سرمایه اجتماعی پیش برود.

**سلامت: سازمان بهزیستی به تازگی اعلام کرده است که توان حمایت از همه خانواده‌های آسیب دیده در بحران کرونا را ندارد، آیا این رافع مسوولیت دولت خواهد بود؟**

بر اساس اصول قانون اساسی دولت‌ها مکلف به حمایت از افراد آسیب دیده هستند و باید برای این منظور برنامه‌ریزی کنند. البته به اعتقاد من این جمله که «توان حمایت از تمامی افراد آسیب دیده وجود ندارد»، کاملاً نادرست است زیرا با یک سازماندهی قوی می‌توان تمامی امکانات را بسیج کرد. ضمناً فائده‌هایی مانند آستان قدس رضوی، ستاد اجرائی فرمان امام(ره)، بنیاد علوی، سازمان اوقاف و ... هم باید پای کار بیایند. البته متأسفانه به نظر می‌رسد که این بحران و تلاش برای رفع مشکلات آن در اولویت برنامه‌ریزی‌ها نیست و تصور می‌کنند که با دادن یک بن خرید می‌توان اینگونه موارد را مدیریت کرد.

**سلامت: سازمان‌های مردم نهاد چه اقداماتی در این بحران کرده‌اند؟**

خوشبختانه این سازمان‌ها از ابتدای بحران پای کار بودند و باید از آنها تقدیر کرد. البته باید به این موضوع هم توجه شود که بخش بزرگی از حمایت‌های این نهادها به پویایی اقتصاد مربوط می‌شد و زمانی که اقتصاد در گشایش نباشد مسوولیت اجتماعی امکان تحقق پیدا نخواهد کرد. البته در ابتدای بحران کرونا شاهد بودیم که مردم همبستگی اجتماعی بیشتری داشتند اما به مرور و با ادامه روند میزان مشارکت‌ها همانند گذشته نبود و افراد به فکر این هستند که زندگی خود را از تالطم دور نگاه دارند.

اما در یک بیان کلی می‌توان گفت که سازمان‌های غیردولتی تحت تأثیر این شرایط توان ایفای کامل نقش‌های خود را نداشتند و به دلیل نداشتن توان مالی و مشکلات به وجود آمده برای افراد و تشکلهای حامی خود شاهد کاهش فعالیت‌های این نهادها هم بودیم. هر چند همچنان شاهد هستیم که سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی بیش از حد توقع پای کار هستند و باید قدران آنها بود. ■